

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع مقاله: نقش "معروف" در مراحل طلاق با تکیه بر آیات قرآن و نگاه فقها و مفسرین شیعه

نام استاد: حجه الاسلام والسلمین آقای دکتر فاطمی بصیر

نام طلبه: محبوبه عرب احمدی

مقطع: سطح ۴

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) سمنان

اردیبهشت ۱۴۰۴

چکیده

مقاله حاضر به بررسی مفهوم واژه «معروف» در قرآن کریم و نقش آن در احکام فقهی مرتبط با طلاق، به‌ویژه در مراحل مختلف پایان عده و جدایی نهایی، می‌پردازد. این واژه در اصطلاح فقهی به دو معنا تعریف شده است: اموری که عقل و شرع آن را تأیید می‌کنند و اموری که در جامعه به عنوان عرف و رسوم مقبول هستند. در این مقاله، ضمن تحلیل آیات مرتبط با طلاق و تشریح اصطلاح «معروف»، به بررسی کارکرد این مفهوم در زمینه‌هایی مانند رجوع در عده، پرداخت متاع معروف، و حقوق نوزاد شیرخوار پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که «معروف» به عنوان یک اصل اخلاقی و حقوقی، نقش مهمی در حفظ کرامت افراد، رعایت حقوق همسران و فرزندان، و جلوگیری از بی‌عدالتی در روابط خانواده ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: معروف، متاع، امساک، تسریح، عده، طلاق

مقدمه

واژه «معروف» به عنوان یک مفهوم کلیدی در متون دینی و فقهی اسلام، نقش محوری در تنظیم روابط اجتماعی و خانوادگی ایفا می‌کند. این واژه در قرآن کریم در موضوعات مختلفی مانند امر به معروف و نهی از منکر، حقوق زناشویی و طلاق مطرح شده است. بررسی مفهوم «معروف» در احکام فقهی، به‌ویژه در مراحل مختلف طلاق، نشان‌دهنده تأثیر آن در حفظ حقوق زنان، مردان و فرزندان است. در این مقاله، ضمن تحلیل آیات مرتبط با طلاق و تشریح اصطلاح «معروف»، به بررسی کارکرد این مفهوم در مراحل مختلف طلاق پرداخته شده است. این بررسی شامل مواردی مانند رجوع در عده، پرداخت متاع معروف، و حقوق نوزاد شیرخوار است. نتایج نشان می‌دهد که «معروف» به عنوان یک اصل اخلاقی و حقوقی، نقش مهمی در جلوگیری از بی‌عدالتی و حفظ کرامت افراد در روابط خانواده ایفا می‌کند. این مقاله با هدف روشن‌سازی مفهوم «معروف» و کاربردهای آن در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام تدوین شده است.

مرتضی حائری شیرازی عضو هیئت علمی و گروه اخلاق دانشگاه قرآن و حدیث قم با همکاری احمد کریمی در سال ۱۴۰۳ در مقاله مشترک خود با عنوان «تحلیل فرااخلاقی از کاربردهای مفهوم «معروف» در قرآن و حدیث» به بررسی تعریف قرآن و احادیث از واژه معروف پرداخته و به این نتیجه رسیده که در جامعه دینی، علاوه بر معروف‌هایی که از سوی شارع تعیین شده، معروف‌هایی وجود دارد که وجدان عمومی درک روشنی از خیر بودن آن دارد و به عنوان خوب مشهور شده و از مصادیق معروف به شمار می‌رود؛ لذا در حوزه امر به معروف، می‌توان به آنها نیز امر شود. فاطمه کاشانیان، دانشجوی دانشگاه الزهرا در سال ۱۳۹۴ در پایان‌نامه خود با عنوان «معناشناسی معروف در قرآن کریم» به بررسی توصیفی واژه «معروف» و واژگان هم‌تراز و مقابل، در قرآن کریم از دیدگاه و کاربردهای آن پرداخته و به این نتیجه رسیده که واژه «منکر» اصلی‌ترین واژه‌ای است که در تقابل معنایی با واژه «معروف» قرار گرفته است. محمدابراهیم جهانبخش، دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۹۳ در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی معناشناسانه معروف و منکر و حوزه‌های معنایی آن در قرآن» به بررسی معانی معروف و منکر پرداخته و ارتباط آنها را با سایر مفاهیم دینی بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده که معروف شامل اموری است که با فطرت انسان سازگار است و آنچه قرآن و سنت به آن امر فرموده در حوزه معروف جای می‌گیرند. سیده محبوبه و فاطمه شیرزاده دانشجوی سطح سوم جامعه الزهرا هم در مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی توصیفی واژه «معروف» در

قرآن کریم از دیدگاه مفسران شیعی و سنی» علاوه بر بررسی معنای لغوی و اصطلاحی معروف از دیدگاه لغویان و مفسران، به بررسی مشتقات قرآنی و مترادفات و متضادهای این واژه و همچنین کاربردهای مختلف آن در آیات قرآن پرداخته‌اند.

بنابراین وجه تمایز این پژوهش در این است که در این پژوهش علاوه بر بررسی معنای لغوی و اصطلاحی معروف از نگاه مفسران و فقها، به نقش اختصاصی آن در مراحل طلاق از دیدگاه مفسران و فقها پرداخته است.

۱- مفهوم‌شناسی واژه «معروف»

در لغت: معروف اسم مفعول از «عَرَفَ» به معنای شناخته شده است، ماده (ع ر ف) بنابر گفته ابن فارس بر دو معنا دلالت دارد؛ یکی بر پی در پی بودن اجزای شیئی که متصل به هم ردیف شده‌اند، و دیگری به معنای سکون و آرامش. معروف از عرف به معنای دوم مشتق شده است، و علت نامگذاری آن سکون نفس به امور شناخته شده است و وحشت و فرار از امور ناشناخته است.^۱ راغب هر کار پسندیده‌ای نزد عقل یا شرع را معروف می‌داند که در مقابل آن منکر به معنای هر چیزی که عقل یا شرع ناپسند می‌داند است.^۲

در اصطلاح: در باب امر به معروف و نهی از منکر، محقق در شرائع فعلی را معروف می‌داند که علاوه بر حسن عقلی، دلیل دیگر از عقلاء یا شرع آن را حسن بدانند،^۳ علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف وللرجال علیهن درجه»، معروف را چیزی دانسته که مردم آن را بر اساس ذوق برگرفته از زندگی متداولشان می‌شناسند، و در توضیح آن می‌گوید: هر چیزی که مطابق فطرت و خلقت سالم است که قهراً مشتمل بر هدایت عقل و شرع است.^۴ آیت الله شبیری زنجانی نیز معروف را چیزی می‌داند که شارع مقدس آن را معروف به شمار آورده باشد که در طلاق غایب معروف را منحصر در انفاق دانسته و در سایر موارد باب طلاق مصداق آن را حقوق زوجیت دانسته است.^۵

در نتیجه می‌توان گفت در اصطلاح فقهی، این واژه معمولاً در دو معنا به کار می‌رود:

^۱ ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۸۱.

^۲ راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۶۱.

^۳ حلی، شرائع الاسلام، ج ۱۱، ص ۳۱۰.

^۴ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۳۲.

^۵ زنجانی، کتاب نکاح (زنجانی)، ج ۹، ص ۲۹۷۴.

۱. آنچه عقل و شریعت به آن تأیید می‌کنند.

۲. آنچه در جامعه به عنوان عرف و رسوم مقبول است.

در آیات مرتبط با طلاق نیز، معروف به هر دو معنا استعمال شده است که بیشتر در معنای اول (تأیید شرعی و عقلی) مصداق پیدا می‌کند، اما در مواردی مانند متاع معروف، عرف جامعه نیز ملاک عمل قرار می‌گیرد. که در ادامه مقاله به تفصیل به آن پرداخته می‌شود.

نقش معروف در اواخر پایان عده

از میان آیات شریفه مرتبط با طلاق، سه آیه می‌تواند ناظر به رعایت معروف در مرحله پایانی عده باشد که در ادامه به بررسی هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

اول: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ»^۶

(طلاق دو بار است پس از آن به معروف نگاه داشتن است یا به نیکی رها کردن)

و مراد از طلاق در جمله: "الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ..."، طلاق رجعی است که شوهر می‌تواند در بین عده برگردد،^۷ اما در اینکه مراد از «امساک» چیست اختلاف است، قریب به اتفاق مفسرین^۸ و فقهای^۹ امامیه آن را کنایه از رجوع در عده دانسته‌اند، به این معنا که شوهر بین رجوع در عده و نگه داشتن همسرش و رها کردن او تا زمان خروج از عده مخیر است. بر طبق این تفسیر، وجه نزول آیه همانطور که مفسرین بیان کرده‌اند آن است که قانون "عده" و "رجوع" برای اصلاح وضع خانواده و جلوگیری از جدایی و تفرقه است، ولی بعضی از تازه مسلمانان مطابق دوران جاهلیت، از آن سوء استفاده می‌کردند، و برای اینکه همسر خود را تحت فشار قرار دهند پی در پی او را طلاق داده و قبل از تمام شدن عده رجوع می‌کردند، و به این وسیله زن را در تنگنای شدیدی قرار می‌دادند، آیه فوق نازل شد و از این عمل زشت و ناجوانمردانه جلوگیری کرد.^{۱۰}

^۶ بقره: ۲۲۹.

^۷ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۳۳.

^۸ برای مثال: همان، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶۷.

^۹ برای مثال: طوسی، الخلاف، ج ۴، ص ۴۴۵ و راوندی، فقه القرآن (لراوندی)، ج ۲، ص ۱۷۵.

^{۱۰} مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶۷.

بدهد. البته یک قول ضعیف هم در مسئله است که متاع معروف را نفقه دانسته است^{۴۰} که بعید نیست قائلش آیه را مربوط به دوران عده دانسته باشد.

نتیجه اینکه کارکرد معروف در این مرحله شاید مواردی مانند جلوگیری از فقر زن پس از طلاق، تأکید بر مسئولیت اخلاقی زوج نسبت به همسر سابق، رعایت جایگاه اجتماعی زن و جلوگیری از بی اعتمادی نسبت به مردان و جامعه باشد.

قسم دوم: نقش معروف بعد از جدایی نهایی در صورت وجود نوزاد شیرخوار

«فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْزُقْنَهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَاتَّمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»^{۴۱}

(اگر فرزندان شما را شیر می دهند مزد آنان را بدهید و به شایستگی به یکدیگر مشورت دهید)

کلمه «ائتمار» وقتی در مورد چیزی استعمال می شود، به معنای مشورت درباره آن است، به نحوی که طرفین اموری که در نظرشان لازم است را به یکدیگر گوشزد می کنند. موضوع ائتمار در آیه شریفه فرزند شیرخوار است و خطابش به زن و مرد است، یعنی درباره فرزند خود به نحو نیکو مشورت کنید.^{۴۲}

علامه طباطبایی و برخی دیگر از مفسرین و فقها در توضیح معروف گفته اند که مراد توافق زن و شوهر است به طوری که هیچ یک از مرد و زن و فرزندشان متضرر نشود، نه مرد با دادن اجرت زیادتر از حد معمول متضرر شود، و نه زن با کمتر گرفتن متضرر شود، و نه فرزند با کمتر از دو سال شیر خوردن متضرر گردد، و همچنین ضررهای دیگری که ممکن است پیش آید به هیچ یک از شما متوجه نشود.^{۴۳}

ولی با توجه به آیات قبل و صدر آیه که توصیه به ادای حقوق زن به طور کامل شده است، معروف در اینجا مناسب است مختص به خود فرزند باشد، همچنانکه آیت الله مکارم بر این عقیده است؛ چه اینکه در بسیاری از طلاقها نوزدان مال المصالحه اختلافات دو همسر بعد از جدایی واقع می شوند، خداوند متعال با توصیه به مشورت نیکو خواسته نوزاد از نظر جسمی و ظاهری گرفتار خسران نشوند، و از نظر عاطفی از محبت و شفقت لازم محروم نمانند، با این دستور از پدر و مادر خواسته منافع نوزاد بی دفاع را فدای اختلافات و اغراض خویش نکنند.^{۴۴}

^{۴۰} مکارم، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۱۵.

^{۴۱} طلاق: ۶.

^{۴۲} طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۱۷.

^{۴۳} حلی، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، ص: ۲۱۸، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۱۷.

^{۴۴} مکارم، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۴۸.

نتیجه اینکه کارکرد معروف در این مرحله دفاع از حقوق مادی و عاطفی نوزاد است تا فدای اختلافات مرد و زن نشود.

نتیجه‌گیری

بررسی مفهوم «معروف» در قرآن کریم و احکام فقهی نشان می‌دهد که این واژه به عنوان یک اصل اخلاقی و حقوقی، در تنظیم روابط خانواده و حفظ حقوق افراد نقش محوری دارد. در مراحل مختلف طلاق، از جمله رجوع در عده، پرداخت متاع معروف، و حقوق نوزاد شیرخوار، «معروف» به عنوان یک معیار برای رفتارهای عادلانه و انسانی عمل می‌کند. این مفهوم نه تنها به حفظ کرامت زنان و فرزندان کمک می‌کند، بلکه با جلوگیری از بی‌عدالتی و سوءاستفاده، زمینه‌ساز اعتماد و تعامل سالم در جامعه می‌شود. بنابراین، توجه به این مفهوم در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام، می‌تواند به حل مشکلات اجتماعی و خانوادگی کمک کند و از بروز اختلافات ناشی از طلاق جلوگیری کند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس بن زکریا، ابو الحسین، احمد، معجم مقائیس اللغة، ۶ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۴ هـ ق
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدۃ البیان فی أحكام القرآن، در یک جلد، المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران - ایران، اول، هـ ق
۳. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ هـ ق
۴. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحديثة)، ۶ جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰ هـ ق
۵. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ هـ ق
۶. حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ۲ جلد، انتشارات مرتضوی، قم - ایران، اول، ۱۴۲۵ هـ ق
۷. خویی، سید ابو القاسم موسوی، موسوعة الإمام الخوئی، ۳۳ جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ ق
۸. راوندی، قطب الدین، سعید بن عبد الله، فقه القرآن (لراوندی)، ۲ جلد، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - رحمه الله، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۵ هـ ق
۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۴ جلد، دار الكتاب العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۰۷ هـ ق.
۱۰. زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح (زنجانی)، ۲۵ جلد، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ هـ ق
۱۱. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ: ۲، ۱۳۹۰ هـ ق.
۱۲. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخلاف، ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷ هـ ق
۱۳. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ هـ ق
۱۴. کاظمی، فاضل، جواد بن سعد اسدی، مسالک الأفهام إلی آیات الأحکام، ۴ جلد، هـ ق

۱۵. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران -
ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق